

کارگران یقه سفید در ایران

بابک پاکزاد



روستاکا و علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رسیدگی به معضل از سوی رئیس‌جمهور که هیأت تحقیقی را جهت رسیدگی به امر منسوب کرده بود و یا اظهارات مثبت رئیس مجلس و برخی نمایندگان را سلب می‌کرد. معلمان خواستار نتیجه‌ی آنی تحرکات خود بودند و جواب مشخص و شفاف طلب می‌کردند. در حقیقت آن‌ها به شدت به کلیه‌ی نهادهایی که خواستار نمایندگی و هدایت خواسته‌ها و تقاضاهای آن‌ها بودند ظنین بودند و خود مستقیماً بر خواسته‌ها پافشاری می‌کردند و کسب نتیجه را به امید نهادهای مبتنی بر نمایندگی به تعویق نمی‌انداختند. در حقیقت، این حرکت به فراسوی ساختار سازمانی حکومت‌های دموکراتیک که از ساختاری پارلمانی و مبتنی بر نمایندگی برخوردارند گذر کرد و این در حالی است که هنوز همین ساختار سازمانی دموکراتیک مبتنی بر نمایندگی نیز به درستی در ایران شکل نگرفته و معضلات حقوقی و فرهنگی بسیاری دامنگیر آن است. اگ

بیانیه‌ی مجمع صنفی معلمان و اعلام مواضع دو پهلو مبتنی بر تأیید خواسته‌های معلمان از یک‌سو و مربوط ندانستن تحرکات به این مجمع از سوی دیگر، خود بیان صریح این واقعیت است که تحرکات در فراسوی قواره‌های یک حرکت صنفی حرکت می‌کرد. پرسشی که مطرح می‌شود این است که چرا جنبشی که از خواسته‌های صنفی برخوردار است فراسوی قواره‌های یک حرکت صنفی رفتار می‌کند؟ به نظر می‌رسد پاسخ را باید در عدم اعتماد بدنه‌ی این حرکت به نهادهای صنفی و در مقیاس وسیع‌تر نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جست‌وجو کرد. عدم اجرای تعهدات دولت نسبت به فرهنگیان به همراه داشتن درک مشخص از نظام بوروکراتیک بیمار در سازمان‌ها و نهادها و عدم احساس مسئولیت و عدم پاسخ‌گویی مسئولان به معضلات معیشتی معلمان که از هر فرصتی برای ابراز آن استفاده کرده بودند؛ امکان اعتماد به وعده‌های

در آخرین فصل از سال ۸۰ پایتخت، برخی از مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها شاهد جنبش و تحرک معلمان و فرهنگیان بود. نکته‌ی بدیع و جالب توجه در این حرکت آن بود که علی‌رغم این‌که خواسته‌های اقتصادی مبنای تحرکات معلمان را تشکیل می‌داد، نمی‌توان این تحرکات را به سادگی در چهارچوب جنبش‌های صنفی قرار داد. معلمان خواستار افزایش حقوق، پرداخت بدهی دولت به فرهنگیان، کاهش ساعات کار، رفع تبعیض میان کارکنان وزارتخانه و مدارس و بازنکری در بودجه‌ی سال ۸۱ بودند. این خواسته‌ها، همه در جرگه‌ی درخواست‌های صنفی قرار می‌گیرند، اما نکته‌ای که موضوع را تا اندازه‌ای پیچیده می‌کند، چگونگی پی‌گیری این درخواست‌ها از سوی معلمان بود. روان شدن خیل عظیم معلمان به سوی وزارت آموزش و پرورش و سپس نماز جمعه، مجلس و ریاست جمهوری علی‌رغم صدور مجوز قانونی از سوی وزارت کار و

بخواهیم خصلت این حرکت را در یک عبارت بیان کنیم باید آن را یک جنبش مردمی فرا پارلمانی مبتنی بر اقدام مستقیم تعریف کنیم.

جنبش معلمان ایران تنها جلوه‌ای کوچک از نیاز به گذار از دموکراسی پارلمانی (البته نوع ناقص و بیمار آن در ایران) و حرکت به سوی دموکراسی مستقیم در این نقطه از جهان است. جلوه‌های متعدد این نیاز در نقاط گوناگون دنیا قابل مشاهده است. از جنبش کشاورزان بی‌زمین در برزیل تا جنبش کارگران بی‌کار در آرژانتین، از زاپاتیست‌ها در جنوب مکزیک تا جنبش‌های ضد جهانی‌سازی در اروپا و آمریکا همه و همه مبتنی بر اقدام مستقیم و نگرش فراپارلمانی هستند. نکته این جاست که این شیوه نگرش در صورت تحقق، کل ساختار سازمانی دموکراسی‌های سرمایه‌داری (لیبرال، لیبرال دموکرات، سوسیال دموکرات، سوسیالیست و...) را از ریشه متحول خواهد ساخت.

شائبه‌ی وابسته بودن تحرکات معلمان به یکی از دو جناح مطرح حکومتی ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده بود. تعلق وزیر جدید آموزش و پرورش به جناح اصلاح‌طلب و آغاز اصلاح در نظام آموزش و پرورش با حذف سمت امور پرورشی در مدارس، تظاهرات معلمان در مقر ریاست جمهوری در روز ورود کوفی عنان به تهران، هم‌زمان شدن اعتراض‌های اقتصادی معلمان با دادگاه شهرام جزایری و پرونده‌ی مفساد اقتصادی که به نوعی مجلس را نیز زیر سوال برده بود، همه و همه شائبه‌ی وابستگی تحرکات معلمان به جناح به اصطلاح راست را تقویت می‌کرد. بررسی مطبوعات در این دوره نشان می‌دهد که مطبوعات متعلق به جناح دولتی، ابتدا پیرامون این حرکت سکوت کردند و بعد از آن که اعتراض‌ها به اوج خود رسید ناگزیر از اظهارنظر گردیدند و چنین تحرکاتی را تحرکاتی «صنفی» قلمداد کرده آن را ویژگی طبیعی جوامع مدرن امروزی دانستند و از تبدیل «تههیدها» به «فرصت‌ها» سخن راندند. جناح راست نیز تلاش می‌کرد تا از طریق مطبوعات وابسته به خود، این حرکت را به سمت خواسته‌های خود هدایت کرده و از آن در بافت وقایع جاری استفاده‌ی ابزاری کند. در چنین معرکه‌ای واکنش جنبش معلمان نسبت به عملکردهای جناح دولتی و راست دیدنی بود. از آنجا که نگاه هر دو طیف حکومتی به این جنبش یک نگاه ابزاری بود، حرکت اعتراضی نیز در واکنش به چنین رفتارهایی ضمن تأکید بر هویت مستقل خود به مثابه یک نیروی سوم در مقابل دو جناح قرار گرفت و خود رأساً نسبت به دو جناح نگرشی ابزاری اتخاذ کرد. بدین معنی

که اهداف ویژه‌ای را برای خود تعریف کرد و معیار تمایل به جناح دولتی و راست قرار داد و میل کردن هر جناح به سوی این اهداف را معیار همکاری و یا عدم همکاری با این حرکت دانست. در حقیقت اعتراض معلمان به صورت خودانگیخته سعی می‌کرد از روابط متشنج بین دو جناح بهره‌برداری کرده و با متمایل کردن خود به هر یک از این دو در مقاطع مختلف و در عین حال عدم اعتماد بنیادی به هر دو جناح، اهداف مستقل خویش را پیش برد. واقعیت این است که اعلام عدم مخالفت با حکومت، اعلام خواسته‌های صنفی، پی‌گیری خواسته‌ها از طرق فراپارلمانی و اقدام مستقیم و در عین حال توجه به صف بندی‌های سیاسی در آن مقطع و بهره‌برداری بهینه از آن‌ها، این امکان را پدید آورد که هیچ‌یک از سازمان‌ها و نهادهای حکومتی نتوانند نیروی محرکه‌ی این جنبش را به خارج از نظام و گروه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی حواله دهند و به این طریق زمینه را برای برخورد با این اعتراض‌ها فراهم ببینند. درگیری‌های خیابانی میان معترضان و نیروی انتظامی نیز صرفاً به بهانه‌ی غیرقانونی بودن تجمعات صورت گرفت نه وابسته بودن آن‌ها. به هر حال، نکته‌ی مهم این بود حرکت و اعتراض معلمان توانست هویت مستقل خود را حفظ کند، شعارهای ویژه‌ی خود را سر و سامان دهد و در انتها نیز با موفقیت به بخشی از خواسته‌های خود دست یابد.

پرسش اساسی که باید به آن پاسخ داد این است که چشم‌انداز جنبش‌های فراپارلمانی مستقل و مبتنی بر اقدام مستقیم در ایران چیست؟ واقعیت این است که دل‌زدگی و عدم اعتماد مردم به ایدئولوژی‌های گوناگون جهت رفع معضلات روزمره‌ی آن‌ها و در عین حال مشکلات اقتصادی فزاینده که روز به روز خردکننده‌تر جلوه می‌کنند و عدم قابلیت نهادها و سازمان‌های موجود برای رفع آن‌ها، همه و همه زمینه‌های مادی و معنوی لازم برای ظهور چنین جنبش‌هایی را در سال‌های آتی فراهم

می‌کند. یکی از دلایل قاطع برای تداوم جنبش‌هایی از این دست، محور بودن مسایل اقتصادی در این جنبش‌هاست. معمولاً جنبش‌های مبتنی بر خواسته‌های سیاسی از مفاهیمی آغاز می‌کنند که از همان ابتدا بسیار قابل

تعبیر و تفسیر بوده و بدین طریق زمینه‌های انشعاب، پراکندگی و بحث‌های اسکولاستیک در خود آن مفاهیم مستتر است. می‌توان ساعت‌ها پیرامون چیستی آزادی یا آزادی بیان و یا استبداد به بحث و جدل پرداخت و هزاران تأویل و تفسیر گوناگون از آن ارایه داد. می‌توان کماکان به گفت‌وگو تداوم بخشید، ائتلاف کرد، انشعاب کرد، بر سر هم کوید و عملاً هیچ چیزی را در زندگی روزمره متحول ساخت و حتا روند تحولات عمیق جامعه را چه از طریق خشونت چه از طریق مسالمت سد کرد. آری! جنبش‌های مبتنی بر خواسته‌های سیاسی بسیار آسیب‌پذیرند. برعکس، جنبش‌های مبتنی بر خواسته‌های اقتصادی از واقعیت‌هایی آغاز می‌کنند که جایی برای تأویل و تفسیر نمی‌گذارند. گرسنگی اگر به قصد روزه یا اعتصاب غذا نباشد، تفسیر ندارد. جیب‌های خالی برای پرداخت اجاره خانه تفسیر ندارد. بنابراین، جنبش‌های مبتنی بر خواسته‌های اقتصادی بسیار عمیق‌تر و واقعی‌تر از جنبش‌های مبتنی بر خواسته‌های سیاسی هستند. نکته این جاست که آدمی بدون آزادی هم قادر است که وجود فیزیکی خود را بقا و تداوم بخشد اما بدون غذا این امکان‌پذیر نیست و دقیقاً به همین دلیل است که می‌توان تصور کرد که جنبش‌هایی از این دست نه تنها در سال‌های آتی محو و از بین نخواهند رفت، بلکه ضرورت بقا و تداوم مشکلات اقتصادی باعث می‌شود که هر روز چهره‌ی قدرت‌مندتری از خود نشان دهند و نهایتاً بدل به یک جنبش مردمی سیاسی اقتصادی گردند و به‌عنوان یک نیروی سوم در معادلات گنجانده شوند.

البته واکنش حکومت در قبال شکل‌گیری این نیروی سوم از یک سو و طرح‌های دولت‌های قدرت‌مند جهانی نظیر برنامه‌ی مبارزه با تروریسم می‌تواند جریان شکل‌گیری این نیرو را تسریع و یا به تعویق بیاندازد یا شکل تحقق آن را (مسالمت‌آمیز یا خشونت‌آمیز) تعیین کند. ♦

مؤسسه انتشارات نگاه منتشر کرد:

تهران شهر بی آسمان

امیرحسین چهل تن

پانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران